



سارا بهرامی تهیه کننده تئاتر شد

نمایش «تاصدا» به نویسندگی عباس جمالی، کارگردانی مهدی برومند و تهیه کنندگی سارا بهرامی بهزودی روی صحنه خواهد رفت. سارا بهرامی که فارغ التحصیل رشته تئاتر است، مدتی قبل با نمایش «جیب‌هایی پر از نان» روی صحنه رفت و در نخستین تجربه تهیه کنندگی تئاتر، در کنار مهدی برومند، «تاصدا» را به صحنه خواهند برد.

«هن به زخم، صدامو می‌شونین؟»، «هنولد ۱۳۶۱»، «گر» و «هم‌هوایی» از جمله نمایش‌هایی هستند که سارا بهرامی در مقام بازیگر تئاتر در آن ایفای نقش کرده است. مهدی برومند پیش از این نمایش «خانه کافذی» را در سال ۱۳۸۹ در مجموعه تئاتر شهر روی صحنه برد. این نمایش بار دیگر سال ۱۳۹۴ اجرا شد و برومند پس از سال‌ها با نمایش «تاصدا» به صحنه تئاتر بازمی‌گردد. برای کارگردانی نمایش «خانه کافذی» در بیست‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر، تندیس و دیپلم افتخار این جشنواره را کسب کرد. بازیگران، محل اجرا و دیگر عوامل نمایش «تاصدا» بهزودی اعلام می‌شود.

«خجالت نکش ۲»

اکران آنلاین می‌شود

فیلم سینمایی «خجالت نکش ۲» از سه‌شنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۲ ساعت ۲۰ در بخش سینما آنلاین فیلم‌نت عرضه می‌شود. این فیلم به تهیه‌کنندگی سیدمیر پروین حسینی، کارگردانی رضا مقصدوی و نویسندگی افرا جورابلو به تازگی اکران خود را در سینماها به پایان رسانده است. این فیلم کمدی سال ۱۴۰۲ در مدت زمان ۹۵ دقیقه ساخته شده است.

در فیلم «خجالت نکش ۲» احمد مهرانفر، شبنم مقدمی، بهاره کیان‌افشار، بهرنگ علوی، محمد معتضدی، سعید امیرسلیمانی و مجید شهریار به ایفای نقش می‌پردازند. فیلم «خجالت نکش ۲» داستان کتیر و صنم است که در ادامه قسمت قبلی با چالش‌های تازه‌ای در زندگی مشترک‌شان دست و پنجه نرم می‌کنند. در این فیلم عشق، شوخی و ماجراجویی بی‌پایان شخصیت‌های «خجالت نکش ۱» ادامه می‌یابد.

۵ فیلم به دوره سوم اکران گروه سینمای فرهنگ رسیدند

گروه سینمایی فرهنگ کار خود را از اواسط تیر آغاز کرد و تاکنون از ۱۰ فیلم با تعریف آثار سینمایی فرهنگی حمایت کرده است که حاصل این حمایت اضافه‌شدن یکپرز و ۵۰۷ سانس در دوره اول و یکپرز و ۳۷۰ سانس در دوره دوم برای این فیلم‌ها بوده است. حال با اتمام دوره اول و دوم اکران، ۵ فیلم سینمایی «در آغوش درخت»، «قلب رفته»، «روزی روزگاری آبادان»، «سفر پرماجر» و «یادگار جنوب» به عنوان فیلم‌های مورد حمایت گروه سینمایی فرهنگ در دوره سوم اعلام شدند.

گروه سینمایی فرهنگ با هدف حمایت از آثار سینمایی فرهنگی که امکان باقی ماندن بر پرده سینما را به صورت طولانی مدت ندارند، ممانعت از تسخیر گیشه توسط فیلم‌های تجاری و مهجور ماندن دیگر فیلم‌ها تشکیل شده است.

فیلم‌های جامعه هدف این گروه آثاری است که از کف فروش افتاده و دیگر سرگروه ندارند، بنابراین با قرار گرفتن در گروه سینمایی فرهنگ جان تازه‌ای به آنها داده می‌شود و امکان ادامه اکران به مدت ۵ هفته و ۵ سانس در هر روز را خواهند داشت.

اکران رایگان فیلم تئاترهای کانون هم‌زمان با هفته ملی کودک

فیلم‌تئاتر نمایش‌های تولیدشده در مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری هم‌زمان با گرامیداشت هفته ملی کودک برای مخاطبان کودک و نوجوان اکران رایگان می‌شود. نمایش‌های «روز عجیب» به کارگردانی پرستو گلستانی، «خاله مرجان و خروس» به کارگردانی مریم کاظمی، «مبارک و قالیچه پرند» به کارگردانی حامد زحمتکش، «کچل کفترباز» به کارگردانی آزاده نصاری، «دختر کدو تنبل» به کارگردانی علی پاکدست، «ماهی» به کارگردانی ویدا فرهمانی و «هفت‌خوان کودکان» به کارگردانی حسین مزینانی در این طرح نمایش داده می‌شود.

این نمایش‌ها با اقیانوس از کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و به تهیه‌کنندگی مرکز تولید تئاتر و تئاتر عروسکی کانون تولید شده است. تولید تئاتر بر اساس کتاب‌های منتشر شده کودک و نوجوان از جمله برنامه‌های مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری است. این نمایش‌ها قرار است از روز ۱۴ تا ۲۰ مهر ۱۴۰۲ در پایگاه مجازی کانون نمایش داده شود.

استقبال از استاد

در روزهای نخست اکران عمومی

فیلم سینمایی «استاد» به کارگردانی عماد حسینی به سرگروهی پردیس مگامال که از ۱۱ مهر توسط بخش بهمن سبزر در سینماهای سراسر کشور اکران خود را آغاز کرده با استقبال مخاطبان روبه‌رو شده است. این فیلم نخستین تجربه کارگردانی عماد حسینی است که در آن سجاد بابایی برای ایفای نقش در این فیلم توانست سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را در چهل‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر از آن خود کند. حسن معجونی و هدیه حسینی‌نژاد نیز دیگر بازیگران این فیلم هستند.

فیلمنامه «استاد» را پیام لاریان و عماد حسینی نوشته‌اند و محمدحسین مهدویان به عنوان مشاور کارگردان این پروژه را همراهی کرده است. در خلاصه داستان این فیلم آمده است: گلنوش برای مهاجرت و ادامه تحصیل به توصیه‌نامه استاد ادیس که معمار و نقاش مشهوری است نیاز دارد اما ماجراهایی برای او و استادش پیش می‌آید که شرایط را پیچیده می‌کند.

حضرت امیرالمومنین (ع)

دروغگو با دروغ خودش ۳ چیز به دست می‌آورد: خشم الهی بر او اهدایت به خودش از طرف مردم، سرزنش و نکوهش فرشتگان نسبت به او.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: رضا شکیبایی
سرمدیبر: سعید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۴ تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲۸۲ نمابر: ۶۶۴۱۳۷۲۸۳
پيام‌سان: @vatannemrooz | پست الکترونیکی: info@vatannemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم پرتو برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



گزارش «وطن امروز» از روند حرکتی سینمای کودک و نوجوان طی ۴ دهه به بهانه فرارسیدن هفته ملی کودک و نوجوان

سینمای نوستالژی

ساخته نشود. نتایج رقابت‌های جشنواره سینمای کودک هم اگر از اوایل دهه ۸۰ تا پایان آن مورد بررسی قرار گیرد، متوجه این ضعف آشکار خواهید شد. در این سال‌ها بیشتر آثار خارجی راه یافته به جشنواره مورد تحسین قرار می‌گرفتند. از طرفی اثری با کیفیت پایین و قصه پردازی ضعیف مانند «صف مال من نصف مال تو» به کارگردانی وحید نیکخواه‌آزاد از سینمای ایران در این جشنواره شرکت می‌کرد و در کمال تعجب حتی برنده جوایز هم می‌شد.



دهه ۹۰، اصرار بر تکنولوژی داخلی

با شروع دهه جدید، چند سال چندان تغییرات زیرساختی سینمای کودک مورد توجه کارگردان‌ها و مدیران نبود. در این میان افرادی مانند حسین قناعت متوجه شدند اگر تغییر نسل و استفاده از تکنولوژی را وارد آثار کودکان کنند می‌توان اتفاق بهتری را رقم زد. به همین دلیل فیلمی مانند «کین دات کام» به کارگردانی قناعت ساخته و اکران شد اما آن هم نسبت به نمونه‌های مشابه قبلی خود چندان مورد توجه قرار نگرفت. ایرج طهماسب هم که در ابتدای دهه ۹۰ یکه‌تاز تلویزیون در تولید برنامه‌ای با استقبال بالا با همان شخصیت دوست‌داشتنی کلاه قرمزی بود، تصمیم گرفت بار دیگر شانس خود را در سینمای کودک امتحان کند. طهماسب فیلم «کلاه قرمزی و بچه ننه» را ساخت اما فیلم اصلاً لحاظ کیفی قابل مقایسه با نمونه‌های قبلی خود نبود. همین موضوع باعث شد بازگشت او به سینما با شکست مواجه شود.

از سال‌های میانی دهه ۲۰۹۰ اتفاق مهم در سینمای کودک افتاد. اولی ساخت «شهر موش‌های ۲» توسط مرضیه برومند بود. برومند این بار پس از ۳۰ سال، با تغییراتی که در شخصیت‌ها و روند داستان داده بود، یکی از آثار موفق گیشه و مورد اقبال از سوی بیشتر طیف‌های جامعه را تولید کرد. اما آنچه مشخص است اینکه سینمای کودک با توجه به فراز و فرودهای بسیاری که طی ۴ دهه گذشته بر آن رفته است و با توجه به ظرفیت فراوان و بالای آن چندان سهم قابل توجهی در سینمای ایران ندارد، از آن هم سینمایی که همواره پرمخاطب‌ترین آثارش اغلب در ژانر کودک و نوجوان است و در نهایت تاسف باید اذعان کرد سهم این سینما در کل سینمای ایران زیر ۵ درصد است، آن هم با توجه به اینکه تعداد نهادها و دستگاه‌های حوزه کودک و نوجوان بسیار فراوان است.

از فیلمسازان بزرگ و مطرح سینما هم شانس خود را در این حوزه امتحان می‌کردند و این باعث شد آثار مهم در این ژانر خلق و ماندگار شود. از ویژگی‌های مهم این دهه، حضور سینمای کودک ایران در جشنواره‌های بین‌المللی و حتی راه یافتن به اسکار بود. سال‌های ابتدایی دهه ۷۰ با ساخت ۲ فیلم موفق «مریم و میتیل» به کارگردانی فتحعلی اویسی و «چکمه» ساخته محمدعلی طالبی که دقیقاً ۲ طیف متفاوت سینمای کودک بودند، نشانه آن بود که این ژانر قرار است یکی از گونه‌های قوی سینمای ایران باقی بماند. «مریم و میتیل» فیلمی بود که به تخیل و دنیای رنگی بچه‌ها بسیار نزدیک بود و از سوی دیگر «چکمه» از دل کوچه پس‌کوچه‌های پایین شهر داستانی ساده اما جالب را درباره یک چکمه پلاستیکی روایت می‌کرد. از اواخر دهه ۶۰، ایرج طهماسب در تلویزیون برنامه‌ای را برای کودکان اجرا می‌کرد به نام «صندوق سیست». در بعضی از قسمت‌ها عروسک‌هایی میهمان برنامه بودند به نام کلاه قرمزی و چند شخصیت دیگر. سال ۱۳۷۳ طهماسب به همراه حمید جبلی تصمیم گرفتند فیلمی سینمایی درباره این شخصیت‌های عروسکی بسازند. فیلم «کلاه قرمزی و پسر خاله» با فروش بسیار بالایی در تابستان آن سال، همه متر و معیارهای گیشه را در آن روزها تغییر داد. این موضوع نشان داد چقدر این ژانر محبوب است و پتانسیل برای ایده‌پردازی‌های جدید دارد.



دهه ۸۰، آغاز افول

دهه ۸۰، شاید بتوان ضعیف‌ترین دوران سینمای کودک در چند دهه اخیر دانست. مسیر اصلی سینما به سمت ستاره‌سازی و جوان‌گرایی رفته بود و تولید کمدی‌های خانوادگی و آثار اجتماعی در اولویت کارگردان‌ها قرار داشت. به همین دلیل ژانر کودک کم‌کم به حاشیه رانده شد. حتی افرادی مانند مرضیه برومند هم که در دهه‌های گذشته از افراد صاحب‌سبک در سینمای کودک بودند نتوانستند کمک چندانی به این ژانر کنند. فیلم شکست‌خورده «مربی شیرین» ساخته برومند یا «یکی بود یکی نبود» و «کلاه قرمزی و سسروناز» به کارگردانی ایرج طهماسب، نه در گیشه و نه در میان کودکان نسل جدید چندان مورد توجه قرار نگرفت. نسل تغییر کرده بود و کودکان جدیدی قرار بود به سینما بروند اما سینما هم‌گام با آنها حرکت نمی‌کرد و این موضوع باعث شد دهه ۸۰ هیچ اثر قابل توجهی در زمینه کودک

ورود به دهه ۶۰ و تاسیس واحد کودک و نوجوان در بنیاد سینمای فارابی، تغییرات زیادی در زمینه ساخت آثار مربوط به کودکان به وجود آمد. در چند سال اول، به دلیل شروع جنگ و حال و هوایی که بر جامعه هنری حکمفرما بود، آثاری درباره جنگ ساخته می‌شد و در حاشیه آن هم به کودکان پرداخته می‌شد اما از سال ۶۳ و ساخت فیلم‌هایی چون «دونده» و «شهر موش‌ها» شاهد آغاز یک جریان در حوزه سینمای کودک هستیم. بویژه که «شهر موش‌ها» با استقبال قابل توجه مردم نیز مواجه شد. اواسط دهه ۶۰ برای تشویق کودکان به مدرسه رفتن، سریالی عروسکی در تلویزیون ساخته شد به نام «مدرسه موش‌ها». این مجموعه با وجود شخصیت‌های بازمزه و شیرینی که هر کدام نماد طیفی از کودکان بودند، بسیار مورد استقبال قرار گرفت. در همان دوران، مرضیه برومند تصمیم گرفت فیلمی سینمایی براساس این شخصیت‌ها بسازد. این فیلم درباره گریه‌های ساختار و تکنولوژی ساخت فیلم‌ها و انیمیشن‌های مخصوص کودکان نیست، بلکه معمولاً تغییرات نسل، بالارفتن آگاهی کودکان و فاکتورهای اینچینی هم در آثار جدید حوزه کودک لحاظ می‌شوند. موضوعی که در آثار داخلی اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد.

سینمای کودک و نوجوان یا در واقع همان ژانر کودک، روزگاری یکی از مهم‌ترین گونه‌های سینمایی در ایران بود اما از دهه ۸۰ به بعد، هر چه تکنولوژی پیشرفت کرد و بچه‌های راه‌های دیگری برای سرگرم کردن خود پیدا کردند، سینما هم به دلیل سوم‌مدیریت‌ها و عدم استقبال از سوی تهیه‌کنندگان، دیگر نتوانست هم‌گام با تغییر نسل، ژانر کودک را هم به مسیر قابل انتظاری حرکت دهد. سینمای کودک و نوجوان داخلی، سال‌هاست دیگر نتوانسته مخاطب خود را راضی کند و در روزها و هفته‌هایی که مخصوص کودکان است و به نام آنها نامگذاری شده، ضرورت وجود این ژانر بیشتر حس می‌شود. اما این داستان این روزهای سینماست. ژانر کودک در سینمای ایران روزگاری درخشان را سپری کرده و حالا به این نقطه کنونی رسیده. پرداختن به روزهای اوج این ژانر، علل موفقیت در آن دوره و مسیری که به سوی افول این ژانر، در سال‌های اخیر رسیده، موضوعی است که در ادامه به آن بیشتر می‌پردازیم.



دهه ۷۰، روزهای طلایی

با گذشت ۲ دهه از عمر سینمای کودک و همچنین مستقل شدن آن از جشنواره فجر در سال ۱۳۷۰، اهمیت این گونه در سینمای ایران روزبه‌روز بیشتر می‌شد. بسیاری



دهه ۶۰، تولدی دوباره

در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب با توجه به وضعیت اجتماعی کشور، آنچنان که باید و شاید نه‌تنها به موضوع سینمای کودک که اساساً به سینمای ایران توجه نشد اما با



نگاهی به برنامه رتالیتهی شوی «بگو بخند» که پس از ۲ فصل موفق این روزها آماده بخش فصل سوم از شبکه نسیم می‌شود

فرصتی نو برای استعدادهای نو



خواهند پرداخت.

به طور کلی، ساخت برنامه‌های استعدادیابی در حوزه کمدی، با توجه به فضای پرسوءنفاهم موجود در این زمینه، همچنین تثبیت نوعی سطحی‌نگری عمومی در آثار موجود، چالش‌های بسیاری را به دنبال داشته و بسط و ایجاد فرصتی استاندارد و مطابق با روحیه ایرانی، اراده و توانمندی ویژه‌ای را می‌طلبد. عوامل این برنامه با در پیش گرفتن رویکردی متفاوت، همچنین تکیه بر قابلیت‌های یک برنامه عمومی در حوزه سرگرمی‌سازی و بهره بردن از استعدادپ‌کمدی و هنرهای نمایشی تاکید دارد و هر یک از داوران با توجه به سابقه طولانی مدت خود در هر یک

از این موارد، می‌توانند نظر تخصصی خود را ارائه کرده و علاوه بر هدایت و کمک‌رسانی به هنر جوانان، باعث غنای محتوایی این برنامه شوند. شهاب عباسی سال‌ها به عنوان بازیگر و کارگردان حوزه طنز، در آثار مختلف تجربه‌هایی را به ثبت رسانده است. نعیمه نظام‌دوست نیز به سبب وجود خصلت‌های ذاتی موفق کمدی به عنوان یک هنرمند زن، نوعی تازه از بازیگری کرده و ارائه کند. شهرام شکیبایی علاوه بر اینکه خود به عنوان طنزپرداز شناخته می‌شود، در سالیان اخیر با ورود به حوزه‌های دیگر نظیر اجرا و بازیگری، توانسته پیوندی معنادار میان حیطه تخصصی خود و سایر گونه‌ها ایجاد کند. نصرالله رادش نیز از نخستین هنرمندان ژانر کمدی در تلویزیون است و نوع بینش و نگرش او نشان می‌دهد توانایی شگرفی در فهم و درک این مقوله دارد. بدون شک وجود هر یک از این چهره‌ها می‌تواند عاملی مثبت برای پیشرفت شرکت‌کننده‌ها و جذب مخاطب باشد. برای سال‌ها این انتقاد به تلویزیون وارد بود که تنها با افرادی ثابت همکاری داشته و راه ورود برای ظهور استعداد‌های تازه در آن چندان مهیا نیست. «بگو بخند» از جمله برنامه‌هایی است که در فصول گذشته خود توانسته معرف چهره‌های تازه باشد و حالا در فصل جدید، برخی از آنها را به عنوان راهنمای شرکت‌کننده‌ها به خدمت گرفته است.

در شرایطی که عمده برنامه‌های تولید شده در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی، به دلایل عدیده با لکت در بیان و عدم توفیق در جذب مخاطب انبوه مواجه هستند، تهیه و تولید برنامه‌های استاندارد و موفقی چون «بگو بخند» علاوه بر جذب اعتماد تماشاگران تلویزیونی، می‌تواند به عنوان نمونه‌ای موفق مورد توجه سایر برنامه‌سازان نیز قرار گیرد.